

معرفی کتاب:

نقش و کارکرد زنان در بحران

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۳

دکتر محمد حسین الیاسی و دیگران، نقش و کارکرد زنان در بحران، تهران، دفتر امور زنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

زنان نظامی جهان نیمه دوم قرن بیستم میلادی را دوران به رسمیت شناخته شدن حضور و نقش خویش در قلمروهای نظامی و امنیتی می‌دانند؛ زیرا مبارزه آنان که از نخستین روزهای شروع جنگ جهانی اول برای به رسمیت شناخته شدن نقشهای مهم و کارکرد خود در قلمرو نظامی و امنیتی آغاز کرده بودند، در نیمه دوم قرن بیستم با اعطای نقشهای حساس نظامی و امنیتی به آنان به نتیجه رسید و از آن پس پندار رایج «توانایی زنان در انجام کنشهای رزمی و امنیتی» به تدریج رو به افول نهاد. زنان جهان به رسمیت شناخته شدن حضور خود را در قلمرو نظامی و امنیتی به آسانی به چنگ نیاوردند. آنان در بحرانهای مختلف قرن بیستم علی‌رغم مخالفت آشکار مقامات نظامی و سیاسی، به صورت خود انگیخته گامی بلند برداشتند و با ایفای نقشهای متنوع نشان دادند که در بسیاری از حیطه‌های نظامی و امنیتی قابلیت و مهارتشان کمتر از مردان نیست.

در مکتب اسلام زن موجودی است که در خلقت با مرد برابر بوده و مخاطب کلام الهی و مسئول به ادای تکلیف و شایسته بندگی و عبادت پروردگار عالم است. او می‌تواند رسالتش را در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی با معرفت، بصیرت و اراده مستمر به انجام رساند. تاریخ معاصر ایران شاهد گویایی بر حضور همه جانبه و مؤثر زنان مسلمان، شجاع و آگاه ایران در صحنه‌های پیروزی انقلاب اسلامی و بحرانهای

امنیت داخلی؛ مثل کردستان و حماسه هشت سال دفاع مقدس بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت: این انقلاب بدون حضور زنان و هشت سال دفاع مقدس بدون حمایت آنان به پیروزی نمی‌رسید. هم‌اکنون مشارکت زنان جمهوری اسلامی ایران در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی کشور، مشارکتی جدی، آگاهانه و عالمانه است که نشان‌دهنده رشد و کمالات انسانی زنان ایران اسلامی می‌باشد.

زنان مؤمن و انقلابی، زنانی که در پیروزی انقلاب سهیم بودند و در حماسه دفاع مقدس سهم داشته و نیروی عظیم زنان و دختران جوانی که هم‌اکنون بیش از ۷۵٪ دانشگاهیان را تشکیل می‌دهند، می‌توانند در رشد و آگاهی و بیداری جوانان و حضور در صحنه‌های تعیین سرنوشت، کارساز باشند و با اعتقادات خود، نسبت به حفظ اساسی کشور و نظام کمک و از بروز بحران جلوگیری کنند.

فاصله و تفاوت بین سطوح و مبانی دو مکتب اسلام و لیبرال - دموکراسی به علت تضاد کامل الگوها، ارزشها، اعتقادات و مبانی دینی مسلمانان و نگرش آنها نسبت به انسان، هستی، مادیات، سلطه پذیری، عدالت اجتماعی، همزیستی مسالمت آمیز و قواعد بین المللی با مبانی لیبرال - دموکراسی بسیار زیاد است.

زیرا فاصله و تفاوت بین سطوح و مبانی این دو تمدن کاملاً در تضاد است. و اینجاست که آن جدال بزرگ فرهنگی شکل می‌گیرد.

از طرفی نیز فروپاشی مرزها تمایز جنسیت‌ها از یکدیگر، تحت تأثیر خاستگاه لیبرال دموکراسی، باعث بروز یک جدال فرهنگی شده است. در واقع؛ نقشهای یکسان به جنسیت‌های مختلف زن و مرد، وارد کردن این دو در حریم آسیب‌پذیریهای یکدیگر و توجه نداشتن به استعدادهای منحصر به فرد هر یک از این دو قشر، عامل آسیب‌رسانی اخلاقی مضاعفی در جامعه جهانی شده است. گرچه ممکن است به نظر برسد که این دیدگاه به تقویت جنبش برابری زن و مرد در جهان کمک کرده و حتی بعضی فکر کنند که نهضت برابری طلبی زن و مرد، ایده‌آل و مطلوب غربی است. درحالی که اسلام، کرامت انسانی را از جنسیت، به تقوا و اگذار کرده و این نهضت را بسیار پیشتر، آغاز نموده است.

نهضت برابری زن و مرد باید در چارچوب اعتقادات و مبانی دین اسلام، موقعیت و جایگاه درستی پیدا کند تا زن و مرد وارد حریم آسیب‌پذیری نشوند و ارزشهای انسانی پایدار بماند. تمدن غرب به موجودیت انسان به ویژه زن فقط در حد ملاحظات مادی و

ابزاری جهت تولید و ثروت اندوزی بیشتر توجه می‌کند و این به معنای پایمال کردن کرامت و حرمت انسان است.

به همین منظور دفتر امور زنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای تدوین نقش و کارکردهای حضور محترمانه و با کرامت زنان در عرصه‌های نظامی و امنیتی، همایشی را در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان «نقش و کارکرد زنان در بحران» برگزار نمود که حاصل آن در قالب مجموعه مقالات به اهتمام دکتر محمد حسین الیاسی و همکاران توسط دفتر امور زنان سپاه به چاپ رسید. به منظور آشنایی بیشتر با این کتاب، تعدادی از مقالات آن به صورت خلاصه خواهد آمد.

کارکرد و میزان آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با کنشهای جمعی اعتراض آمیز

دکتر محمد حسین الیاسی

بسیاری از صاحب نظران و تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی بر این باورند که وقوع کنشهای جمعی اعتراض آمیز از جمله ویژگیهای بسیاری از جوامع کنونی است؛ زیرا سیاستها و فرایندهای حاکم بر آن جوامع مانع از برآوردن برخی موارد و انتقادات برخی از شهروندان می‌شود. از همین رو، گروههای اپوزیسیون (مخالف) با تدابیر از پیش طراحی شده، شهروندان معترض و ناراضی از جمله زنان را تهییج و تحریک به بروز کنشهای ضد امنیتی و مخرب می‌نمایند.

تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نهادهای سیاسی و امنیتی تنها زمانی می‌توانند معترضان را از استمرار رفتارهای ضد امنیتی باز دارند که از گروههای مختلف از جمله زنان، برای مقابله آنان بهره‌گیرند. اما به کارگیری هر یک از گروهها، مستلزم آگاهی از میزان آمادگی و استقبال آنان برای مقابله با معترضان است. به همین سبب در یک پژوهش روشمند و ملی، میزان آمادگی دختران و زنان ایرانی برای مقابله با بحرانهای شهری مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های بیانگر آمادگی نسبتاً بالای زنان و دختران ایرانی برای مقابله با بحرانهای شهری بود. اما تفاوت‌های معناداری نیز بین زنان استانهای مختلف و نیز زنان بسیجی، سپاهی و عادی وجود داشت.

در این پژوهش موضوعاتی همچون: مبانی نظری، انواع رفتارهای اجتماعی، تبیین نظری کنشهای جمعی، نظریه جماعت متمرکز، نظریه روان تحلیل‌گیری، نظریه

محرومیت نسبی و نظریات روانشناسی اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در هر بخش با استفاده از نظریات صاحب نظران مباحثی را در راستای هدف مقاله مطرح می‌شود.

در این پژوهش آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با معترضان و گروه‌های مخالف نظام مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که اندکی بیش از ۵۰ درصد زنان ایرانی برای مقابله با مخالفان «آمادگی کامل» دارند. حدود ۳۰ درصد مرددند و تمایلی برای همکاری ندارند. همچنین نتایج، بیانگر آمادگی بیشتر زنان بسیجی، در مقایسه با دو گروه دیگر است. علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهد که اغلب زنان با این ادعا که «در شرایط بحرانی کاری از زنان ساخته نیست» مخالفند. نکته قابل توجه در این پژوهش نتایج مربوط به مقایسه استانها است؛ زیرا نتایج نشان داده است که:

اولاً؛ تنها میزان آمادگی زنان استان کرمانشاه کمتر از گزینه «تا حدودی موافق» است. ثانیاً؛ میزان آمادگی زنان تهرانی و خوزستانی بیش از زنان سایر استانهاست. ثالثاً؛ میزان آمادگی زنان کرمانشاهی، کردستانی و مازندرانی در کمترین حد و آمادگی زنان سایر استانها در حد متوسط است.

همچنین نتایج حاصل از بررسی رابطه «آمادگی برای مقابله با «دشمنان داخلی» با چند پارامتر دیگر، بیانگر این موضوع است که این رابطه تنها با میزان اعتماد به مسئولان قابل توجه است؛ زیرا بین مؤلفه «مقابله با دشمنان داخلی» و «اعتماد به مسئولان» همبستگی معنی‌دار ($r=0/21$) وجود دارد؛ یعنی نتایج با افزایش اعتماد به مسئولان (تا حدودی)، میزان آمادگی برای مقابله با شورش‌گران و مخالفان افزایش می‌یابد.

رابطه ویژگیهای شخصیتی زنان ایرانی و میزان آمادگی آنها برای مقابله با بحرانی

فاطمه سوری

شخصیت، با ثبات‌ترین بخش سازمان روانی هر انسان است؛ زیرا در فرآیندی طولانی و بر اثر عوامل مختلف تعالی می‌یابد. از این رو برای پیش بینی رفتار، داده‌های مربوط به شخصیت هر فرد و ویژگیهای شخصیتی او در زمره معتبرترین و پایانی‌ترین داده‌ها به شمار می‌آیند.

تحقیقات نشان داده است که بین ویژگیهای شخصیتی زنان و آمادگی آنان جهت شرکت در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی رابطه معناداری وجود دارد.

به همین سبب چهار ویژگی توانایی ذهنی و میزان آمادگی، سلامت روانی، احساس مسئولیت و مهار خود و اعتماد به نفس در یک گروه ۲۰۰۰ نفری زن؛ متشکل از: ۲۲۶ نفر پاسدار، ۵۵۳ نفر بسیجی، ۱۲۳۵ نفر عادی، مورد سنجش قرار گرفت. سپس رابطه آنها با میزان آمادگی زنان جهت مقابله با بحرانهای سیاسی بررسی شد. عمده نتایج این بررسی عبارتند از:

۱- ۷۲٪ از پاسخ دهندگان اظهار داشتند که اخبار رادیو و تلویزیون را پیگیری می‌کنند، ۷۳٪ علاقه‌مند مطالعات علمی‌اند، اما تنها نیمی از آنان روزنامه می‌خوانند و ۶۴٪ آنان اهل مطالعه هستند.

۲- سلامت روانی زنان مورد بررسی با چهار گویه مورد بررسی قرار گرفت و ۵۲٪ پاسخ دهندگان اظهار داشتند که واجد هیچ یک از چهار نشانه روانی مورد بررسی نیستند، در حالی که ۲۲٪ آنان از آن نشانه‌ها رنج می‌برند و ۱۶٪ تا حدود کمی رنج می‌برند.

۳- میانگین احساس مسئولیت و توانایی مهار خود در حد یک از سه گروه زنان محاسبه کرده‌اند.

۴- میزان اعتماد به نفس زنان در ارتباط با جنگ، با یک گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. و نتیجه این بود که بعضی از آنها معتقدند زنان ایرانی اصلاً برای کارهایی مثل جنگ و نظایر آن ساخته نشده‌اند.

بنابر این به کارگیری زنان در بحرانها، تنها زمانی موفقیت‌آمیز است و خواهد بود که میزان خودباوری و اعتماد به نفس آنان تعالی یابد. آشکار است که لازمه افزایش خود باوری و اعتماد به نفس نیز کاستن از احساس درماندگی آموخته شده و افزایش سطح سلامت روانی است. افزون بر این تفاوت‌های موجود بین زنان بسیجی، سپاهی و عادی گواهی بر این واقعیت است که فراهم ساختن شرایط پذیرش اجتماعی و تمرین در حیطه‌های مختلف امنیتی می‌تواند این زنان را برای حضور فعال و پراثر آماده نماید.

میزان آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با تهدیدات خارجی

پروین شریعتی

جنگ و درگیری از ابتدای خلقت انسان و در طول تاریخ ادیان الهی به شیوه‌های مختلف وجود داشته و این درگیری همواره بین ارزشهای فطری انسان و هواهای برقرار بوده است.

دفتر امور زنان سپاه با توجه به نقش آفرینی چند دهه گذشته زنان دنیا، اعم از زنان کشورهای اسلامی و کشورهای غربی و شرقی در بحرانهای مختلف و ایفای نقش در مشاغلی همچون مددکاری، امدادگری، پزشکی و خدماتی و گسترش نقشهای خود به قلمروهای امنیتی، نظیر جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات، جنگ روانی و شرکت در رزم؛ با انجام پژوهشی تحت عنوان «بررسی کارکردهای زنان در مقابله با تهدیدات خارجی» در صدد پاسخ به این سؤال برآمد.

در این پژوهش به منظور بررسی میزان آمادگی زنان ایرانی برای ایفای نقش در فعالیتهای امداد، پرستاری، جمع‌آوری آذوقه، خیاطی، آشپزی، رانندگی، فنی، جمع‌آوری اطلاعات، نگهبانی مسلحانه از مراکز دولتی و نبرد مسلحانه با دشمن، نمونه‌ای به جمعیت ۲۲۰۰ نفر از ۸ استان (خوزستان، اصفهان، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، تهران، مازندران و سمنان) و در سه گروه آزمودنی شامل زنان بسیجی (تمامی عضوها) زنان شاغل در سپاه و زنان غیربسیجی و غیرشاغل در سپاه (عادی) مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت.

الف) کنشهای زنان به هنگام بحران خارجی (جنگ)؛

۱- کمک به مردان در جنگ با دشمن ۲- نبرد مسلحانه زنان با دشمن

ب) کنشهای ضد بحران خارجی زنان (خنثی سازی بحران).

میزان آمادگی زنان ایرانی برای ایفای نقش در حیطه‌های مختلف مربوط به بحران.

مهمترین یافته‌های پژوهش عبارتند از:

- بالاترین میزان آمادگی (آمادگی خیلی زیاد) در حیطه‌های خیاطی با ۷۴/۶ درصد، آشپزی با ۷۱/۴ و جمع‌آوری آذوقه و خدمات با ۶۴/۱ درصد به دست آمده است.

- کمترین میزان آمادگی مربوط به حیطة‌های مسائل فنى، نگهبانى از مراکز دولتى با اسلحه و شرکت در جنگ مسلحانه است.
میانگین آمادگى هر سه گروه در هر يك از حیطه‌هاى نه گانه نیز به شرح ذیل عنوان شده است:

زنان سپاهى بالاترین آمادگى خود را در خیاطى اعلام کردند.
زنان بسیجى بیشترین آمادگى خود را در امداد و پرستارى اعلام کردند.
زنان عادى بیشترین آمادگى خود را در امداد و پرستارى اعلام کردند.
هر سه گروه کمترین آمادگى را در فعالیتهای فنى اعلام کردند.
آمادگى زنان برای مقابله با تهدید خارجى - حدود ۷۰٪ پاسخ دهندگان آمادگى کامل خود را برای همکاری در مقابل حمله خارجى اعلام کردند.
- ۱۸/۵ درصد در همکاری کردن احساس تردید داشتند.
- از بین سه گروه میزان آمادگى بسیجیان (با حدود ۸۰ درصد) برای مقابله با حمله خارجى بیش از دو گروه دیگر است.
- میزان آمادگى زنان سپاهى برای مقابله با حمله خارجى کمتر از دو گروه دیگر است.

رابطه آمادگى برای انجام کنشهای ضد بحران خارجى با متغیرهای اساسى:
۸۰ درصد از زنان، آمادگى خود را جهت شرکت در راهپیمایی علیه مخالفان اعلام کردند و تنها ۲۰ درصد آنان آمادگى «خیلى کم» و «هیچ» اعلام نمودند. زنان بسیجى آمادگى بیشتری نسبت به زنان سپاهى و زنان عادى داشتند.
تفاوت زنان متأهل و مجرد برای انجام کنشهای مقابله با بحران خارجى:
میزان آمادگى دختران مجرد برای انجام کنشهای ضد بحران خارجى اندكى بیشتر از زنان متأهل است. اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نیست.
رابطه سابقه حضور در جنگ تحمیلی و آمادگى برای مقایسه با کنشهای بحران خارجى:
- میزان آمادگى زنانى که سابقه حضور در جنگ را دارند برای شرکت در کنشهای مقابله با بحران خارجى بیش از زنان بدون سابقه است.
میزان آمادگى گروههای سنی مختلف برای نبرد مسلحانه با دشمن:
بین گروههای سنی مختلف در آمادگى برای نبرد با دشمن تفاوت وجود دارد.

جهان اسلام و نقش زنان در منازعات مسلحانه

حجت‌الله مرادی

این مقاله به حوزه فعالیت‌های زنان در کشورهای اسلامی می‌پردازد و بیان می‌کند که در کلیه جوامع اسلامی رفتار زنان در دوران جنگ و مقاومت مسلحانه از الگوی خاصی پیروی می‌کند. آنان در پاسخ به بحران‌های ملی در امور جنگ و مقاومت مسلحانه از طریق ایفای نقش‌های حمایتی و حتی رزمی سهیم می‌شوند. در تمامی کشورها و جنبش‌های مذکور، زنان مسلمان از مردان حمایت معنوی به عمل می‌آورند و برای افزایش آگاهی اجتماعی، حمایت مالی و به عهده گرفتن وظایفی که عمدتاً مختص مردان است، جایگاه خود را بهبود می‌بخشند.

جنگ در جهان اسلام و جاه‌های دیگر نوعاً نرم‌های فرهنگی را دچار دگرگونی می‌کند. بنابر این زنان علاوه بر عهده‌دار شدن وظایف مردان در طول جنگ، در پشت جبهه نیز توانایی خود را نشان داده‌اند. نقش زنان مسلمان در قرن بیستم و در حقیقت در طول تاریخ در دفاع از خانه و کشورشان کمتر از نقش زنان و غرب نبوده است. وقتی زنان مسلمان درصدد واکنش به بحران‌های ملی برمی‌آیند، حوزه‌های عمومی و خصوصی، در نتیجه جابجایی قابل توجه نقش زنان و مردان مجدداً تعریف می‌شود. زنان مسلمان با ایفای نقشی فراتر از همسری و مادری، پرستاری، کشاورزی، صنعتگری، آموزگاری، عامل اطلاعاتی و رزمندگی، طبقه‌بندی آسان و تعبیرات ساده را به چالش می‌طلبند.

رابطه مشارکت اجتماعی - سیاسی - امنیتی زنان ایرانی

و میزان آمادگی آنان برای مقابله در بحرانها

محمد رضا قربانی

نگارنده مقاله ضمن بررسی یک تحقیق میدانی در این مورد، به این نتیجه رسیده است که میزان آمادگی زنان ایرانی در زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی در حد مناسبی قرار دارد. در بین سه گروه مورد مطالعه؛ یعنی سپاهی، بسیجی و عادی، برای عضویت در یک انجمن محلی دو گروه اخیر تمایل بیشتری از خود نشان دادند. این در حالی است که زنان بسیجی تمایل بیشتری به انجام کارهای نوع دوستانه و شرکت در انتخابات (نماینده شهر) دارند. تمایل به فعالیت در کارهای دوستانه در زنان ایرانی بیشتر از سایر گرایش‌هاست (حدود ۹۰ درصد). کمترین تمایل در بین زنان ایرانی، برای شرکت در راهپیمایی محلی ذکر شده است. (حدود ۴۵ درصد).

نظرات کارشناسان و نخبگان جامعه پیرامون به کارگیری زنان در بحرانها

دکتر محمد حسین الیاسی

نگارنده در این پژوهش ضمن بررسی یک نمونه انجام شده، یافته‌هایی به دست آورده است و از اطلاعات به دست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که: بسیاری از کارشناسان مرد جامعه نسبتاً با حضور زنان در ابعاد غیرخشونت‌آمیز بحران‌ها موافق‌ترند. لیکن آنان، تمایلی به حضور زنان در قلمروهای نظامی و خشونت‌آمیز بحرانها ندارند.

اغلب مردان جامعه، نگاه مثبتی به نقش زنان در بحرانها ندارند؛ زیرا آنان معتقدند که زنان به هنگام بحران می‌توانند خیاطی کنند، آشپزی نمایند، البسه سربازان را بشویند، از اطفال و بازماندگان مراقبت کنند و به مداوای مجروحان بپردازند. اما قادر نیستند وارد حیطه‌های صرفاً نظامی و امنیتی شوند؛ زیرا به باور آنان، این حیطه‌ها اساساً مردانه‌اند.

بین نگرش کارشناسان دارای تخصصهای مختلف، پیرامون حضور زنان در بحرانها تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. کارشناسان نظامی و متخصصان مسائل اجتماعی و تاریخی نگرش مساعدتری به حضور زنان در بحرانها دارند.

حدود نیمی از کارشناسان مرد بر این باورند که حتی اگر گروهی از زنان جامعه مبادرت به شورش و بحران آفرینی نمایند، مردان باید به مقابله با آنها برخیزند. تنها ۳۰ درصد از آنان معتقدند که برای زنان شورشگر باید از زنان حامی نظام استفاده شوند.

مهدی زروندی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی